



مبارزه

پیروزی

اتحاد

تبرستان
www.tabarestan.info * پاسخ به دانشجویان هوادار حزب توده

مداحان خرده بورژوازی

و

مشاطه گران بورژوازی

بیستام

سازمان دانشجویان پیشگام

نیا آذرماه ۱۳۵۸

تبرستان

www.tabarestan.info

« پاسخ به دانشجویان هوادار حزب توده

مداحان خرده بورژوازی و منافذگران بورژوازی

« ما پیشنهاد می‌کنیم بیکار دیگر فوق‌العاده " امید مورخ ۱۵ آبان " را بخوانید تا ناظر سقوط فوق‌العاده " امید " کننده آقایان دمکراتی باشید که به راحتی اصول را به ربر پا می‌گذارند و مارکسیسم - لنینیسم را تا حد یک ستوری سانس با بورژوازی منزل می‌دهند ، به ستوری آتشی طبقاتی تبدیل می‌سازند و لروم رهبری پرولتاریا در انقلاب رهائیبخش را نفی کرده و رسالت انجام آن را به خرده بورژوازی و بورژوازی لبرال می‌سپارند . طبیعی است که باریاب چنین تفکری نمود خود را در ستوری و عمل نشان دهد ، بطوریکه آقایان دمکرات ! نتوانند این همه جنبشهای خودانگیزانه طبقه کارگر را که هر روز سرفرازمندگی خود می‌کند ببینند و یا اینکه برس از رم دادن خرده بورژوازی و بورژوازی چشم بصیرستان را کدر سازد . از آنجائی که رسالت انقلابی را به عهده خرده بورژوازی سپرده‌اند بحیثاً آور نیست که جنبش خودانگیزانه دهقانان ناحص سود و جای طبقه کارگر را بگیرد .

فراخوان امام برای تسدید مبارزه علیه امپریالیسم جنبش خودانگیزانه دهقانان

" فوق‌العاده امید "

نه آقایان ! استیاء لپی نیست ، شما در تمام نوشته‌های اعلامیه حتی برای بیکار هم اسمی از طبقه کارگر نبرده‌اید ، نه از جنبش خودانگیزانه‌اش و نه از مبارزات او و لروم نکیه بر این طبقه بالنده . شما مبارزه طبقاتی را از کارخانه و شهرهای صنعتی بیرون کشیده و کوره دهها را مرکز مبارزه طبقاتی قرار داده‌اید . از مراکز کارگرنشین به مراکز گذران خرده بورژوازی " براسنی چرا در لحظاتی که از هر توره در دورافزاده‌ترین نقاط ایران مشت‌های همبستگی مردم به وجد آمده ما به چهره کریه امپریالیسم آمریکا را نشانه گرفته ... "

(هماجا) .

... ولابد که محور سرمایه نیز در آنجا کنده خواهد شد. آقایان! ما پیشنهاد می‌کنیم یکبار دیگر به دست‌یخت خودتان نگاه کنید و بازتاب شیوه فکر مارکسیستی لنینیستی! خود را ببینید. " شاید جامعه را نیمه مستعمره نیمه‌فئودال می‌دانید" اما هرچه باشد این نداوم و بازتاب طبیعی خطی است که در مارکسیسم لنینیسم، اپورنویسمش می‌نامند. خطی که در عرض ۲۴ ساعت اسرانیض تغییر می‌یابد، خطی که قادر است اصول را تحریف کند و خط و مرز مشخص طبقاتی را محدودش سازد و رهبری مبارزه، دمکراتیک را پیسکش خرده‌بورژوازی نماید. (بین چهره‌ها خط فاصل کشیدیم و در پشت هر جریان گارزار عظیم سرد طبقاتی را دیدیم بین دمکراسیم انقلابی امام خمینی و لیبرالیسم بورژوازی، اولی را بزرگتریم (درست دعت کنید، مسئله بر سر انتخاب خرده بورژوازی و یا لیبرالیسم است و نه اعتقاد به یولناریا و مارکسیسم لنینیسم) و به افشای دومی پرداختیم. همانجا نا، کید از ماست."

اما شما دروغ می‌گوئید، شما حتی اینکار را هم نکردید. به خرده - بورژوازی دل باخندید و کرسه به بورژوازی نمودید.

" ما اعلام می‌کنیم که آماده‌ام در کمیسیونهای وابسته به شورای عالی طرحهای انقلاب شرکت کنیم و همانطور که آقای مهندس بازرگان خواسته‌است صمیمانه و خارج از ریا و سر و صدا همکاری کنیم" " مردم شماره ۲ نا، کید از ماست."

به‌راستی که بسیار بی‌سر و صدا با بورژوازی لیبرال به همکاری پرداختید. " به‌نظرات حزب بوده و پاسخ مساعد او به فروهر در مورد کردستان مراجعه شود."

" نبردی سخت در میان هیئت حاکمه کنونی درگفته‌است بحثی خواهان مبارزات پی‌گیر ضد امپریالیستی و قطع ریشه‌های نفوذ امپریالیسم غارتگر آمریکا، حل تضادهای موجود به نفع رحمتکشان و مستضعفان است" " امید فوق‌العاده. نا، کید از ماست."

آقایان دانشجویان طرفدار حزب بوده!

خودتان به فضاوت بنشینید و کلاهتان را قاضی کنید. البته نوده‌ها و

تاریخ تصاویر خواهد کرد در مورد شما و عثمان. در مورد شما و خطی که
شما حق به نام طبقه کارگر برکزیده‌اید. به قول خودتان: "از سه خطر ادیکا -
لیسم پرولتری دموکراسیم انقلابی و لیبرالیسم بورژوازی بحاطر اینکه
رادیکالیسم پرولتری سزونی ندارد. دموکراسیم انقلابی را برکزیده‌اید"
به نظر ما لیبرالیسم بورژوازی را سیر بهم چینی.

بدرستی آقایان طرفدار حزب طراز سوسیالیست!... قدرت پرولتاریا را
چگونه می‌بینید؟ آیا می‌دانید که هیچگاه سران کمی پرولتاریا دلیل
بر بی زهمی طبیعت و سازمان آن نیست و نیروی پرولتاریا به در مقدار کمی
آن بلکه بطور عمده در نوعیت و نفس وی در انقلاب و در سبب طبقاتی
و جهان بینی او و به سبب کس در جهت دفاع سیاسی اقتصادی اکثریت
رحمکنان قابل ارزیابی است. شما امروز طبقه کارگر ایران را به دلیل ندانستن
نیروی کمی به ارزان تعالیه می‌کنید و عملاً "جنس مسلط آنها را نادیده
گرفته و آنان را به سال خرده بورژوازی می‌کشاید. اما چه می‌شود کرد. یکی
از ویژگیهای امپریالیسم است که حذف قدرت‌های مقطعی می‌شود و هر
حزبان تازه و هر قدرت جدید است و استطراتژی سوسیالیست در او بر می‌انگیزد
استطراتژی که تابع از آن می‌گردد تا جوهر سازنده طبقاتی را دریابد و در
سبب نیروی ظاهر کم پرولتاریا قدرت عظیم او را مشاهده کند. شما امروز
بدنبال موازات قدرت روان هستید و جهت رسیدن به آن هر اصلی را براحتی
زیر پا می‌گذارید و همانطور که گفتیم استراتژی خود را در ۲۲ ساعت تغییر
می‌دهید و دموکراسیم انقلابی تکمیل را به خرده بورژوازی می‌بخشید بدون
آنکه مشخص کنید که این دموکراسیم انقلابی مربوط به کدام سزرا خرده -
بورژوازی است. و آیا اصولاً "حزب دوگانه خرده بورژوازی چگونه عمل
می‌کند و آیا او قادر است که سزرا صد امپریالیستی را به انجام برساند و
با اینکه بنا به سبب طبقاتی صلح و مصالحه با امپریالیسم برای او
امکان پذیر است یا نه؟ و با اینکه آیا سزرا برای رهائی خدا از سزرا برای
دموکراسی می‌تواند صورت بگیرد؟ و آیا سزرا بر ضد امپریالیسم بدون رهبری
طبقه کارگر به انجام خواهد رسید؟

بله آقایان! سارکسیست لیبرالیستها و طبقه دارند همیشه آن چیزی را که
شما محدود کرده‌اید (دادن تصاویر روس از هر پدیده و پروسه) سز لوجه

کار خوش قرار دهند و ماهیت واقعی طبقات و ناپیگیری آن را افشا نموده و نقاب از صورت واقعی آنها برگبرند و جنبه موقت و مشروط بودن اتحاد با آنها را در یک مرحله از انقلاب بطور مداوم یادآور شوند و کوشند نمایند که "بیرون از صفوف پرولتاریا ثبات مطلق احزاب یا دمکراسی کاملاً" پی‌گیر هرگز وجود نخواهد داشت، معذالک این وظیفه ماست که ریشه‌های طبقاتی تمام احزابی را که در صحنه تاریخ ظاهر می‌شوند برملا کنیم .

"لنین : شیوه برخورد با احزاب بورژوائی"

بله آقایان ! شما نه تنها این کارها را نکردید بلکه از آنجائی که به نیروی محکمی تکیه و ایمان نداشتید لاجرم هستی بر قبای خرده بورژوازی" و دستی دیگر بر دامن بورژوازی لیبرال آویختید و نه تنها ماهیت طبقاتی لیبرالها را افشا نکردید بلکه تأییدشان هم نمودید "خوشحقیانه دولت موقت انقلابی در میان بسیاری از انتصابات هائی که به حق مورد انتقاد است در مورد شرکت نفت ایران درایت نشان داده و یک شخصیت سرشناس ملی نظیر آقای نزیه را به ریاست این شرکت منصوب کرده است این انتصاب امید و انتظار را بر می‌انگیزد " مردم شماره ۲ تاکید از ماست " ما اطمینان داریم که هر شخصیت دیگری هم که بود این انتظار را در شما بر می‌انگیزد. همیشه که روزگاری بخشی از عناصر لیبرال درون هیئت حاکمه محمدرضاشاهی این امید و انتظار را در شما برانگیزده بود .

شما در تمام این مدت نه تنها قدمی در افشای بورژوازی لیبرال و ماهیت سازشکارانه او برنداشتید بلکه بر کارهایش صحنه گذاشتید و به سبک دیرین خواستار نمدی برای کلاه خود شدید ، افشاگری را بنگرید ! " ما کوشش خواهیم کرد در مرحله کنونی دولت را راهنمایی ، و این دولت را پشتیبانی بکنیم از کلیه اقداماتی که در جهت این برنامه (برنامه حزب) بشود از دولت بخواهیم که حتماً در این جهت قدم‌هائی بردارد . . . " مردم شماره ۲ تاکید از ماست "

" . . . دولت موقت اقداماتی انجام داده که در جهت خواست جنبش انقلابی مردم (مانند پایان دادن به فعالیت کنسرسیوم نفت ، خروج از پیمان سنتو ، اخراج بخش عمده کارشناسان آمریکائی ، لغو بخش عمده‌ای از سفارشهای

تسلیماتی به کشورهای امپریالیستی، پایان دادن به فعالیت جاسوسی امپریالیستهای امریکائی علیه کشورهای همسایه و برخی اقدام دیگر... " مردم شماره ۶ تا کید از ماست .

بله آقایان که ادعا دارید عوام فریب نیستید و با توده همراهید و حتماً " بخاطر توده‌ها گونه‌های خود را در معرض بوسه بورژوازی و خرده - بورژوازی قرار می‌دهید ما توده‌ها را به قضاوت می‌طلبیم تا در مورد این دو نوشته که دقیقاً " از ارگان مرکزی شما نقل شده (نه فرضاً " از گفته یا نوشته فلان هوادارتان در بهمان شهر!) قضاوت کنند . که چگونه دولت بازرگان قبل از سقوط انقلابی است و بخش عمده‌ای از قراردادهای امپریالیستی را لغو می‌کند و چگونه بازرگان بعد از سقوط به بازرگان سازشکار تبدیل می‌شود " سیاست دولت بازرگان بویژه در زمینه مبارزه علیه امپریالیسم و فروکوفتن پایگاههای نفوذ آن قاطعیت انقلابی می‌طلبید ، سیاست دولت بازرگان از این قاطعیت برخوردار نبود که سهل است تا حد سازشکاری توأم با تعلل و تسامح بود... نزدیک به ۹ ماه از پیروزی انقلاب می‌گذرد هنوز ۱۰۰۰ قرارداد نابرابر با کشورهای امپریالیستی و اکثراً " با ایالات متحده امریکا داریم... با ارائه پیشنهاد سازنده بقدر امکان خود کوشیدیم که دولت موقت پا را از چارچوب تنگ منافع بورژوازی لیبرال به سود خلق زحمتکش فراتر نهد . " مردم شماره ۸۹ تا کید از ماست .

پس از نظر شما این تنها خرده بورژوازی با دمکراتیسم انقلابی نیست که می‌تواند حل تضاد به نفع زحمتکشان نماید بلکه لیبرالیسم بورژوازی نیز از نظر شما قادر به این کار بود و اگر قادر نشد صرفاً " به دلیل این بود که " ... ولی گوش شنوائی در دولت موقت نیافتیم . کمترین توجهی به انتقادهای سازنده و پیشنهادهای سازنده ما نشد . دولت موقت همواره دنبال آدم می‌گشت (بخوان حزب توده) و چون نخواست و نتوانست از چارچوب محدودیت طبقاتی پا فراتر نهد او را نیافت " مردم شماره ۸۹ ، تا کید از ماست . "

ما از خوانندگان تقاضا می‌کنیم با دقت به کنه گفتار این آقایان توجه کنند و ببینند که چگونه آنها بورژوازی را هم قادر به حرکت در جهت منافع زحمتکشان می‌دانند . البته به یک شرط که بورژوازی همچون " دولت قوام "

آنها را در کابینه خود بپذیرد و بهاری هم در جهت سامع رحسکسان قدم بردارد!! و بر توابع تنظیمی بورروازی صحه گذارد و در همن رابطه است که آقای بریدانید می‌سود و باز در همین رابطه است که به محض سقوط برید آقایان نائید کننده دررور با به قول خودشان افاضگران بورروازی آوا سمری دهند که برید بخواستند و بخواستند است در سیاست یعنی تعمیر اساسی بدهد و وابستگی بد انحصارات حفظ شده و در همین زمان با کنار گذاشتن برید و ورر دفاع سدن جرمان، آقایان بدون اینکه کوچکترین اشارهای بد ساهست جرمان بنمایند می‌گویند (بختهای فراوانی در آوردن اسان وجود دارد ولی فضاوت آخر در بر آوردن جرمان و وعده‌های اسان است مردم شماره ۵۸ دست بریزاد که حتی از اسای جرمان بر نظر بدناخت برنگ طلبانه خود سم دارند، گویا که آقایان افراد را به با وابستگیهای طبغایی و سرسردگسنان بلکه با فضاوت آخر می‌سازند. شاید در مورد ساد سیر که با سال ۵۳ سار سرتکوسی اس بی دادید با همین حساب عمل می‌کردند.

اری، این است طبیعت واقعی اپورنوبیسیم که محسسه کلاه در جهت جرحس ساد دارد. اما چه ساک که انقلاب در پرورد خود طبیعت واقعی سنا را بد بوده‌ها سنان خواهد داد سمانی که بدنام بود. بوده‌ها را بد ارزان فروحسندو به نام حرب طبقه کارکر مبارزه طبقه کارکر را با حد بک سلاچرک رده سزل دادید و مبارزه او را در چهارجوب سبک سامع خود و بورروازی که بجابت سیهن ساند خلاصه کردید. البته این ساریات دندی است که سالی برای برولناریا قائل نیست و ساسونالسیم حرده بورروازی را بر اسرناسیونا- لیسیم برولناریا برحیح می‌دهد و همصدا با بورروازی خواهان مرزهای سناحد شده و بجابت سیهن می‌سازد. راستی آقایان طرفدار حرب طبقه کارکر ار سنا سنوال می‌کنیم چه مرفیسیت بین سنا و سردسداران سنوری سدهجها؟ سنا هم مثل آنها رسالت را از دوس طبقه کارکر برکرمه و سر عهده حرده بورروازی سهاده‌اید. سنا هم که مثل آنها سبارره طبغایی را بد ساست‌بازی و عصده کردن سصاد فلان بحس از بورروازی با فلان بحس از حرده بورروازی خلاصه کرده و لروم صف‌مسفل طبقه کارکر را یعنی می‌کنید. و هر دو سیر قبل از آنکه به طبقه کارکر وابسته سانسید، دنباله‌رو یکی از کسورهای جهان سمسید-آریا

فکر نمی‌کنید که در نهایت هر دو دوروی یک سکه هستید و دو وظیفه دارید که سارزه قهرآمیز پرولناریا را به مناظره پارلمانی تبدیل کنید و مناظره پارلمانی را به سازش طبقاتی ...

دانشجویان طرفدار حزب توده :

امروز نبرد طبقاتی در تمام جبهه‌ها عمق می‌یابد و پرولناریا حرکات خود را وسعت می‌بخشد حرکتی که در تداوم خود لزوماً رهبریت را بدست خواهد گرفت و رسالت تاریخی خود را به انجام خواهد رساند. و آنگاه تمام فرصت‌طلبانی که برای پرولناریا و هواداران واقعی آنها ملاحظه می‌کردند و در سایه خرده بورژوازی مشغول "در" افشانی بودند و دمکراتیسم انقلابی طبقه کارگر را جهت شناگوشی به خرده‌بورژوازی می‌بخشیدند و بورژوازی لیبرال را مزورانه نائید می‌کردند مورد سؤال قرار خواهد داد، اصلاح طلبانی را که نخواستند دریاوند که دمکراتیسم انقلابی بگیرد آنها از آن پرولناریاست. اصلاح طلبانی که قیام خونین ۲۹ بهمن ماه تبریز را کار مثنی ارادل و اوپاش دانستند که صف آرام مردم را دچار تشنج ساختند "نوبد ویژه ۲۹ بهمن ۱۳۵۶".

اصلاح طلبانی که مزورانه نائید "تایگان" را از طرف "جبهه دمکراتیک" حساب سازمان جریکهای فدایی خلق ایران و ما می‌گذارند درحالی که فراموش می‌کنند که آقای "به‌آدین" در نطق خود در مورد همکاری با "جبهه دمکراتیک" چه می‌گوید؛ بعد از ایجاد جبهه دمکراتیک ما و چند سی از رفقا به آنها مراجعه کردیم ولی مناسفانه گفتند که درحال حاضر امکان همکاری با شما را نداریم. گفتیم که یعنی با این حساب در به روی ما بسته است؟ گفتند: بسته که نه. عرض کردیم: آیا حتی از این در نیم بسته نیز امکان همکاری نیست؟ گفتند: مناسفانه نه. عرض کردیم که با این حساب این در تماماً بر روی ما بسته است؟ گفتند: این‌طور حساب کنید. و این علت اصلی عدم همکاری ما با این آقایان بود و بس والا ما خیلی مشتاق همکاری با آنها بودیم. "سخنرانی به‌آدین در دانشگاه تبریز".

اصلاح طلبانی که نطق دکتر یزدی وزیر امور خارجه دولت موقت انقلابی را

را بمصدق آنکه (ماهی را هر وقت از آب بگیری تازه است) اقدامی ضروری برای بسیج نیروهای راستین انقلاب نمودند و مهر نائید بر او زدند " مردم شماره ۱۵ " بله آقایان! شما با لوت کردن ماهیت وابستگی‌های آقای پردی یک‌شنبه او را ضد امپریالیسم می‌کنید و اقدامش را ضروری برای بسیج نیروهای راستین! ما که نفهمیدیم شما کدام یک را برگزیدید و به افتضای کدامیک پرداختید .

ای عظه‌های ۱۰۰ ساله ما را در برابر ((اصلاح‌طلبان برسونی کمی برسند از بورژوازی حسی انحراف جویند تا چه برسند که بازی نکنند . در عین حال ، برسونی خود را در پرده کساحانه‌ترین نقاب‌ها و لاف‌های اسوار می‌دارند)) بازی دهید!

لمس : کلیات

اصلاح‌طلبانی که دیروز همصدا با جعفریان کار بوده‌های به پا حاسد تبریز را در ۲۹ بهمن احلال‌گری می‌نامند و مبارزات دانشجویی ۱۸ اردیبهشت تبریز را که منجر به شهادت ۳ دانشجو شد ماجراجویی و چپ‌روی حساب می‌آورند و خود مطلقاً " در آن شرکت نمی‌کنند . و امروز نیز در مقابل نیروهائی که تکیه بر منحص نگاه داشتن هویت طبقاتی طبقه کارگر و حرکت در جهت ایجاد صف مستقل او را دارند جبهه می‌گیرند و دبیر اول حزبشان بجای سخنگویان دولتی بر مبارزات حق‌طلبانه خلق‌کرد می‌نازد و خواهان روشن‌تر شدن وضعیت سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در کردستان می‌گردد .

رفقای دانشجو!

ما لحظات حساسی را می‌گذرانیم . شرایط دشوار است و فرصت‌طلبان در کمین . سرد صدامپریالیستی روز به روز اوج بی‌سابقه‌ای می‌یابد و سازشکاران درون محیثت حاکمه فعالانه می‌کوشند تا هرچه زودتر آن را از محتوای خود حالی کنند و از آن در جهت منافع خود بهره‌برداری کنند . و فرصت‌طلبان در کمینند که این مبارزه طبقاتی را به مبارزه برای آشتی طبقات مبدل سازند و مسیر آن را نه بر پایه دمکراتیسم بلکه کارگر بلکه در جهت ننگ منافع

خرده بورژوازی سوق دهند و درز متحدین موقت و مشروط را مخدوش نمایند .
در چنین شرایطی تنبلی درک و شناخت ماهیت واقعی طبقات و احزاب و
دستجات است که ما را قادر می سازد دریابیم که پشت گفته های هر حزب و
کلی منافع طبقاتی چه کسانی نهفته است دریابیم که چه کسانی در جهت
منافع طبقه کارگر حرکت می کنند و چه کسانی آب به آسیاب امپریالیسم می ریزند
و این بیشترین صداقت و آگاهی را از ما طلب می کند . صداقتی که ما را قادر
سازد تا قاطعانه از خود انتقاد کنیم و در اصلاح خود بکوشیم . آری ، ما دیر
حرکت کردیم ، زیرا لحظاتی است که دوران سازندگی لحظاتی که کوچکترین راست
روی و چپ روی می تواند لطمات بزرگی را به جنبش خلق وارد آورد . در این
لحظات هر حرکتی به بیشترین تحلیل و ژرف اندیشی محتاج است ، تحلیلی
که بر منافع درک شده طبقه کارگر تکیه دارد ، تحلیلی مشخص از شرایط مشخص
(منظور توجیه دیر حرکت کردنمان به دلیل پیچیده بودن فعل و انفعالات
سیاسی اخیر نیست) و نیز اگر چه ما دیر حرکت کردیم اما فرصت طلبانه حرکت
نکردیم ما حرکت کردیم با صف مستقل خود ، با حمایت بی دریغی که توده های
مردم از ما نمودند . و هیچگاه مرز بین واقعیت و توهم را مخدوش نکردیم .
انحلال طلبانه در مورد صف مستقل طبقه کارگر شعار ندادیم و بین دمکراتیسم
خرده بورژوازی و لیبرالیسم بورژوازی که فرصت طلبان تنها به آنها معتقدند
ما رادیکالیسم پرولتری را برگزیدیم و با ایمان به آن حرکت کردیم ، با
احتساب اینکه در این مبارزات ضد امپریالیستی از حرکات ضد امپریالیستی
آن بخش از روحانیت که امروز در موضع ضد امپریالیستی قرار گرفته است
موقت و مشروط حمایت خواهیم کرد و حرکات ارتجاعی او را افشاء خواهیم
نمود . مجلس خیرگان و دست پخت آن را برای توده ها فاش خواهیم ساخت و
در جبهه نبرد با امریکا به او همان اندازه بها خواهیم داد که ارزش دارد نه
بیشتر و نه کمتر . تنها با چنین معیاری است که ما قادریم بدون مخدوش
کردن موضعگیری پرولتری خود در مبارزه ضد امپریالیستی شرکت جوئیم و آن
را در خدمت طبقه کارگر در آوریم و دست خود را در دست طبقه کارگر بگذاریم
و با او پیمان خون و شرف ببندیم . نه در دست کسانی که زیر علم پرولتاریا
برای مراکز قدرت مقطعی سینه می زنند و پرچم پرولتاریا را برای هر صاحب

۴-رتی خم می‌سازند .

آقایان دانشجویان طرفدار حزب توده!

واقعیت این است که شما مختارید در منجلاب غوطه‌ور شوید و مبارزه آرام سازش طبقاتی و گذار مسالمت‌آمیز را تبلیغ کنید و ما نیز مختاریم که خون و اندیشه خود را با پرولتاریا درآمیزیم و پرچم سرخ را به اهتزاز در آوریم و سازشکاران را افشا کنیم .

در پایان ضمن تائید بر نوشته‌های نقل شده از روزنامه "کار" که در اعلامیه آقایان آورده شده است ، می‌خواهیم که بار دیگر نوشته این دانشجویان دمکرات! (*) را بخوانید ، چه هیچ‌چیز برای افشای دمکراتیسم آنها بهتر از دوباره خواندن اعلامیه‌شان نیست .

سازمان دانشجویان پیشگام

۱۰ آذرماه ۱۳۵۸

* فراموش نکنیم که آقایان دانشجویان دمکرات ، در دمکرات بودن خود آنقدر پیگیر هستند! که به محض هجوم ارتجاع به کردستان و همخوانی نامشان با "حزب دمکرات" از دمکرات بودن خود صرف‌نظر کردند و هفته‌های متوالی با نام دانشجویان هوادار حزب توده ، به ذرافشانی می‌پرداختند .



شگام ۲

(نشریه مرکزی دانش آموزان شگام)
تیر ۵۸

